

زنان پیشگام افغان

دوستان گرامی...

امروز طرف کشور المان فدرال سفر مجازی داشتم ، و به دیدن خانم فرشید ژوبل یکتا از زنان نهایت پر کار، پر تلاش و مهربان رفتم.

در مورد سجایای خانم ژوبل زمانی شما آگاه میشوید، و پی میبرید، که ایشان را از نزدیک ملاقات نمایید.

او زنی است، آگاه، سنگین، دوست داشتنی و بدون حسادت و تبعیض



خانم فرشید ژوبل در کابل تولد شده است، تحصیلات ابتداییه را در مکتب شرینو، تحصیلات عالی را در لیسه عایشه درانی کابل به اتمام رسانیده است.

بعد از امتحان کانکور شامل پوهنتون پولیتخنیک کابل گردید. او در سال 1982 نخست منحصیث دیپلوم انجیر در بخش ساختمانهای صنعتی و مدنی و در سال 1985 سند ماستری خود در همین بخش بدست آورد است..

بیايد بیشتر موضوع را در پاسخ و پرسش از ایشان بدانیم..

ناهید: خانم ژوبل عزیز .. زمانی که من بیوگرافی تان را مرور میکردم، به این همه لیاقت و پشتکار تان آفرین گفتم، میشود دلیل موفقیتهای چشمگیر تعلیمی، تحصیلی و اجتماعی تان را بگوئید که در چه نهفته است؟

فرشید: سپاس فراوان خانم علمی گرانمهر!

اولین تربیت گاه یک طفل خانواده و بخصوص والدین است. پدرم محمد حیدر ژوبل دانشمند با تحصیلات و داشته های عالی بود، زمانیکه پنج ماهه بودم، متأسفانه در یک حادثه سقوط طیاره او را از دست دادیم.

مادرم که 45 سال وظیفه مقدس معلمی را انجام داد. یک خانم آگاه، مترقی، و خیلی ها هم زحمتکش که با زحمات شبا روزی خود همهٔ اولاد هایش را به مدارج عالی آموزشی رساند. ما هم درس میخواندیم، و هم با او در پیشبرد امور زنده گی همکاری می کردیم، از طفلیت ما چنان تربیه شدیم، در هرکجای که با انسان های محترم، خانواده ما مواجه میشدم، از پدرم و لیاقت و کارنامه های او یاد میکردند. مسلماً با داشتن چنین والدین قوی نه تنها افتخار نمود، بلکه از کارنامه های آنها الهام گرفته زنده گی خود را ساخت.

دلیل چشمگیر موفقیت های تعلیمی و تحصیلی من داشتن چنین مادر قوی و حمایت او در تمام دوره های زنده گی ام در همه عرصه ها بود.

مطالعه کردن از طفلیت جز عادت من بود. شنیدن اخبار از طریق رادیو باعث دریافت معلومات بیشتر در مورد کشورم و جهان میشد. در کنار آن بی عدالتی ها را در وطنم میدیدم و در خارج وطنم هم مطالعه و یا میشنیدم، کنجکاو می شدم، تا اینکه در سن شانزده سالگی از طریق همصنفی هایم به عضویت سازمان دموکراتیک زنان افغانستان دعوت شدم. از آن روز تا اکنون فعال حقوق بشر و بخصوص فعال حقوق زنان میباشم، همیشه در کنار تعلیم، تحصیل، کار، طفل داری رضا کارانه و خسته گی ناپذیر برای دفاع از حقوق حقه زنان افغانستان و انسان مبارزه کردیم.

ناهیید: ممکن است از کار های انجیری و ساختمانی در دوره کاری تان در افغانستان چیزی بگویید و خاطره پی را با خواننده گان ما شریک سازید؟

فرشید: بعد از ختم پولی تخنیک کابل به حیث انجنیر ساختمان در شاروالی کابل وظیفه گرفتم. کار با انجنیران با تجربه و مهربان که همه روزه از داشته های علمی و عملی شان استفاده میکردم، بسیار خوش آیند بود. اگر چه مدت کوتاه در آنجا کار کردم، ولی یک خاطره جالب را برایتان مینویسم: بعد از مدتی یک تعمیر بلند منزل را به تنهایی محاسبه کردم و انرا در مقابل انجنیران با تجربه و بلند رتبه به معرفی گرفتم. همه انجنیران مرا تشویق کردند، یک تن آنها سوال کرد: آیا مقدار سیخ که شما محاسبه کردید، برای این تعمیر بزرگ بسیار کم نیست؟ من سراسیمه هر طرف میدیدم که مقدار سیخ در کجا نوشته شده است، بالاخره یک همکارم برایم نشان داد، آنوقت متوجه شدم که من کامه را دو خانه کمتر گذاشتم.. همکارم که غلطی را فهمیده بود، انرا اصلاح کرد. او موضوع را دانست و مرا تسلی داده گفت: "انسان خالی از اشتباه نیست."

ناهیید: ازدوره های استادی و تدریس در پولتخنیک کابل چه خاطره های دارید؟ آیا در جمع استادان تعداد زنان بیشتر بود، و یا برعکس آقایان بیشتر بودند؟

فرشید: از انجایی که مادرم در دورهٔ ابتدائیه معلم علوم دینی من بود، قسمی که هر طفل مادرش را دوست دارد، من هم عاشق مادرم بودم و از همان آوان کودکی علاقه زیاد به تدریس نمودن داشتم.. یکسال بعد از فراغت، برای ماستری در رشته ام «ساختمانهای صنعتی و مدنی» آغاز نمودم. ماستری را باز هم در پوهنتون پولیتخنیک کابل شبانه میخواندم و روزانه کار میکردم. ماستری را به قصد استاد

شدن در پوهنتون پولی تخنیک کابل آغاز نمودم و در جریان ماستری به حیث استاد در کادر علمی پوهنتون پولیتخنیک کابل مقرر شدم.

از بهترین خاطرات زنده گی ام از دوره تحصیل و کارم در پوهنتون یک خاطره ام را مینویسم:

در سال ششم، یک بورس ستار یکساله برای دیپاتمنت ما از شوروی آنوقت آمد، «طبق معمول همه سال یک بورس برای همه دیپاتمنت ها می آمد.» من تقاضا کردم که برای این بورس من مستحق هستم. همه اعضای دیپارتمنت موافقه نمودند، به جز یکتا، او فکر میکرد: که چگونه یک زن به تنهایی از سهمیه بورس ها استفاده نموده به خارج برود! من برای این مسئله مبارزه کردم و بورس را گرفتم، همه همکاران مرا با این کارم تقدیر کردند. و این پیگیری من سبب تشویق همه زنان همکارم در آینده ها شد.

ناهید: حال بیایید که از انگیزه های قرار گرفتن درصاف مدافعان حقوق زنان بپرسیم؟ چه باعث شد که قشر زنان مورد توجه تان قرار گیرد و در دفاع از زنان احساس مسئولیت کردید؟ آیا کار با زنان دشوار نیست؟

فرشید: نابرابری های فراوان در همه عرصه های زنده گی در اجتماع خود ما و جهان احساس مرا بیدار ساخت، تا در برابر بی عدالتی های که از یک جانب ظلم و ستم را علیه زنان در بین خانواده های دور و نزدیک وارد می ساخت متوجه شدم، و از جانی هم تبعیض را در برابر زنان در جامعه می دیدم، بناً ذهن من آماده برای مقابله علیه این نابرابری ها شده بود و به دعوت همصنفی هایم عضویت سازمان دموکراتیک زنان افغانستان را رسماً حاصل نمودم، زمانیکه در حلقه وسیع زنان نخبه و مبارز قرار گرفتم، از وضعیت واقعی زنده گی زنان و مبارزات زنان در کشور و دنیا علیه این همه مشکلات زنان آگاهی بیشتر حاصل نمودم، احساس من چندین مراتبه برای کار و پیکار بیشتر شد. از آن زمان تا امروز حدود چهل و هشت سال میگذرد، که من خستگی ناپذیر در راه بدست آورد حقوق حقه زنان و برعلیه تبعیض جنسیتی مبارزه میکنم.

ناهید: آیا کار با زنان دشوار نیست؟

فرشید: باید بگویم: که کار با انسان های آگاه ساده تر از انسان های است که در تاریکی زنده گی میکنند. کار با زنان که حق خود را بشناسند و آماده برای گرفتن حقوق خود باشند، ساده تر است. زنان که خود را در جمله انسان درجه دوم محسوب نمایند، برایشان باید روشنگری نمود. با وجود مشکلاتی زیادی که در کار ما با زنان همیشه وجود داشته و دارد، باز هم هیچگاه نخواستم که دست از کار کردن با آنها بردارم.

ناهید: از سالهای نخست مهاجرت بگویید؟

چگونه در محیط و سکنای جدید انطباق یافتید چه کار های در برابر تان قرار داشت؟ آیا در مهاجرت به تحصیل بیشتر هم ادامه دادید، یا ناگزیر به کار پرداختید؟

فرشید: سالهای نخست مهاجرت در المان دشوار ترین زمان زنده گی من به حساب میآید.

در اخیر سال 1993 با خانواده به هامبورگ مهاجر شدم. اولین مشکل من از ندانستن زبان آلمانی آغاز شد. من زبان روسی میدانستم، بناً با کمی بلدیت به زبان انگلیسی که از زمان مکتب به خاطرم بود، باید با همه مشکلات زنده گی تنهایی، دور از وطن بدون فامیل و هزاران مشکلی دیگر مهاجرت مقابله

میکردم.. بعد از مدتی توانستم به مصرف شخصی خود در کورس آموزش زبان آلمانی اشتراک نمایم. در اپریل 1995 چانس یافتم که درس سه ساله را در رشته محاسبه و دفتر داری، که برای خانم های مهاجر افغان بود، تعقیب نمایم.. بعد از کورس های زبان آلمانی، کورس های کمپوتر، زبان انگلیسی و مسایل ضروری را در کنار تربیه اطفال ادامه دادم، تا زمانیکه در اپریل 2000 اجازه کار را دریافت کردم، و در بخش محاسبه و دفتر داری به کار آغاز و ویزه دایمی و پاسپورت المان فدرال را گرفتم. آن وقت پسر بزرگم محصل و دو طفل دیگرم متعلمین دوره های عالی بودند، که من میتوانستم دوباره تحصیلات خود را در مسلک قبلی ام با نورم های اروپایی و تکنالوژی جدید آغاز نمایم.

از سال 2004 تا 2008 در یونیورسیتی انجینیری بنام «هافن ستی هامبورگ» محصل بودم و در ختم سند دیپلوم انجینیر را بدست آوردم. بعداً بنابر ضرورت کاری لایسنس دریوری را گرفتم. از سال 2010 تا اکنون در وزارت ترانسپورت و انتقالات در هامبورگ کار مینمایم. در ختم میتوانم به هر مهاجر بخصوص برای هر هموطنم توصیه نمایم، که اولین پلان کار و تصمیم شان در مهاجرت باید یاد گرفتن زبان و بعداً داشتن یک مسلک باشد. «چنین ساده که من در چند جمله نوشتم نیست، باید پشت کار قوی و حوصله فراوان داشت!» زمانی که شما راه درست زنده گی را دریافت نمودید، میتوانید تمام خانواده را به رای معقول بکشانید و یک زنده گی خوب با آینده درخشان بسازید!!

ناهِید: در عرصه کارهای داوطلبانه چه مصروفیتهایی داشتید و دارید؟ قرار معلوم شما رهبری انجمن حمایت از زنان افغانستان را در شهر شتادی آلمان نیز به عهده دارید، از این انجمن و فعالیت های اندک و فشرده بگویید؟

فرشید: تقریباً 48 سال بدینطرف فعال حقوق بشر و حقوق زنان میباشم.

در افغانستان در زمان محصل بودن و وظیفه رسمی من به حیث استاد پوهنتون پولی تخنیک کابل «مسئول سازمان زنان پولی تخنیک کابل» بودم. چهار سال مسئول «شورای ناحیوی زنان» در ناحیه پنجم و سوم شهر کابل بودم. زمانیکه به جرمنی امدم، یک مدت عضویت «کانون فرهنگی و اجتماعی زنان افغان» را داشتم.

از سال 2020 الی 2022 معاون «جنبش آزادیبخش زنان افغانستان» بودم. در سال 2022 «انجمن حمایت از زنان افغانستان» را در شهر شتادی جرمنی اساس گذاری نمودم. از تاسیس گفتمان ملی افغانستان جولای 2022 بیشتر از یک سال «مسئول سکرتریت» «گفتمان ملی افغانستان» بودم. از نیمه سال 2023 بدین سو مسئول مالی «انجمن کلتوری و نشراتی وطن» مقیم جرمنی می باشم.

ناهِید: چطور به فکر ایجاد این انجمن شدید؟

فرشید: در مقابل سوال شما، چطور به فکر ایجاد یک انجمن شدید؟، باید بگویم: زنان و دختران کشور عزیز ما افغانستان در هر زمان از تبعیض جنسیتی رنج کشیده اند. بخصوص در شرایط کنونی از عدالت و مشارکت اجتماعی بیشتر محروم و از جامعه حذف گردیده اند. بناً بر اساس ضرورت و جهت دریافت راه های حل و مبارزه علیه بی عدالتی ها و محرومیت های زنان من این انجمن را در سال 2022 اساس گذاشتم.

این انجمن به حیث یک نهاد غیر سیاسی و غیر انتفاعی برای حمایت زنان و دختران افغانستان در جرمنی و افغانستان به مسوولیت خودم فعالیت مینماید. هدف اساسی این انجمن راه اندازی برنامه های اجتماعی برای تقویه ارتقای خود کفایی اقتصادی، اجتماعی و صهی زنان و مادران افغان در

افغانستان، حمایت زنان مهاجر از افغانستان در شهر شتادی آلمان و وسعت شبکه های زنان در آلمان می باشد.. در افغانستان تحت شعار « دختران افغانستان را به آموختن و آموزش حمایت کنید! » کار مینمایم. مصارف این برنامه را از طریق جمع آواری اعانه، برگزاری کنسرت، فروش غذا های افغانی در جشن ها، نمایشگاه ها و مارکیت آزاد تمویل میگردد. برعلاوه برای تقویه بنیه مادی زنان در کابل هزار خریطه با دیزاین های مختلف در کابل فرمایش دادیم، تا آنرا در آلمان بفروش رسانیم و پول مفاد آنرا برای آموزش دختران در کابل به مصرف برسانیم. « از همه انسان های با احساس که قلب شان برای آموزش دختران در افغانستان می تپد، خواهشمندیم که با خرید یک یا چند خریطه به یمت 5 یورو در کنار دختران افغانستان قرار گرفته، رسالت ایمانی و وجدانی خود را انجام دهند!



ناهیید: قرار معلوم شما در عرصه کار های اجتماعی و سیاسی منحیث سکرتر مسئول در هیئت اجراییه گفتمان ملی نیز مسولیت داشتید. از این بخش بگوئید که چه کار هایی به شما محول بود؟ از نگاه شما که یک خانم با اندیشه های سیاسی و حزبی هستید، چرا روشنفکران دیروز به جزایر متعدد تقسیم شده اند؟

فرشید: من از ایجاد گفتمان ملی افغانستان، که یک ساختار جدید حرکت های سیاسی و اجتماعی بود، بیشتر از یک سال مسئول سکرتریت آن بودم. نخستن کارم ساختن لایحه وظایف به همکاری معاون گ م ا که مسئولیت بخش کاری سکرتریت را داشت آماده ساختم. بطور مثال:

- کار های اداری، سازماندهی جلسات قبل از جلسه و کار بعد از جلسه مانند: جلسه عمومی، جلسه کمیته انسجام، جلسه شورای هماهنگی، جلسه دارالانشاء، جلسه مشترک دارالانشاء با کمیسیون ها و جلسه مشترک دارالانشاء با موسسان گ م ا.

- کارهای تشکیلاتی به خصوص پروسه پذیرش اعضای جدید و مراقبت از گروه گم‌ا و اطلاع‌رسانی به موقع موضوعات مهم نوشته شده در گروه به مسئولین آن. از نظر من انسان‌ها باید نظر به شرایط و زمان تغییر پذیر بوده با پیشرفت تکنالوژی خود را انکشاف دهند. انکشافات دنیا مانند یک ریل سریع است، و هرکه خود را با این سرعت اعیار نسازد از کاروان عقب میماند. بسیار از روشنفکران نتوانستند خود را با شرایط جدید وفق بدهند، و در جایکه قرار داشتند، منجمد باقی مانده‌اند. بنابر امروز حتی روشنفکران هم با مفکوره‌های متفاوت زنده‌گی میکنند، مسلماً که دیگر با هم سازگاری ندارند و به جزایر متعدد، نظر به مفکوره‌های شان تقسیم شده‌اند.

ناهِید: طوری که میدانیم شما اکنون در رسانه تصویری، گفتاری و خبری رادیو تلویزیون وطن که مرکز آن در آلمان میباشد مسئولیت و مصروفیتی دارید، اگر در این باره بنویسید، این نهاد به شکل انجمن فرهنگی و نشراتی است؟ درمراجع رسمی آلمان ثبت و راجستر است یا چگونه؟
دورنمای این رسانه را چگونه می‌بینید؟

فرشید: در حدود یکسال میشود که مسئول مالی «انجمن کلتوری و نشراتی وطن» میباشم. و این انجمن از ماه می سال 2023 در شهر کسل کشور آلمان به حیث انجمن غیر انتفاعی ثبت و راجستر گردیده است. این انجمن در بخش‌های کلتوری، نشراتی و ادغام مهاجرین افغان به کشور میزبان فعالیت دارد. اساسی‌ترین بخش کار این انجمن رسانه تصویری، شنیداری و خبری وطن میباشد که در ماه می سال 2020 تأسیس گردیده است

از انجائیکه بورد نشراتی و کارمندان تخنیکی رسانه رادیو تلویزیون وزین وطن تمام وقت رضا کارانه و صادقانه تلاش مینمایند، برنامه‌های مسلکی عالی را برای بیننده‌گان و شنونده‌گان خویش پیشکش مینمایند، مسلماً که به اهداف عالی که طرح کردند، نایل می‌آیند و این رسانه به یک رسانه جهانی مسلکی و مردمی مبدل خواهد شد، در حدود سه سال است که من بیننده و شنونده آن هستم. در ابتدا بعضی برنامه‌ها را میدیدم، اما بعد از مدتی به همه برنامه‌ها علاقه گرفتم و هر شب برنامه‌ها را میبینم. محتوای برنامه‌ها همیشه عالی، آموزنده، دلچسپ و خوش آیند است. هرگاه به خانه نباشم و یا وقت نداشته باشم، روزی بعد پروگرام را میبینم. اکثریت بیننده‌ها نظر مرا دارند، یعنی دوست و رفیق همیشه‌گی شان رادیو تلویزیون وطن است!!!

ناهِید: خانم فرشید ژوبل عزیز تشکر از وقت تان که به ما اختصاص دادید..

###